حادثه‌ها

دادستان خرمشهر هدف سوءقصد قرار گرفت

● **واحدمرکزی‌خبر:** دادستان خرمشهر صبح دیروز در حالی که با خودرو شخصی‌اش در یکی از مناطق اهواز در حال رانندگی بود به ضرب گلوله زخمی شد. مدیر روابط‌عمومی دادگستری خوزستان گفت: دادستان باوی هدف دوگلوله قرار گرفت. امانت گفت: وی هم‌اکنون در یکی از بیمارستان‌های اهواز بستری است. دادستان آبادان نیز گفت: ضارب با سلاح شکاری به شیشه خودرو سمت راننده شلیک کرد و دادستان خرمشهر را از ناحیه سروصورت مورد هدف قرار داد. شیرعلی‌زاده افزود: وضعیت دادستان خرمشهر هم‌اکنون نگران‌کننده نیست.

کاهش ۴/۷درصدی جرایم جنسی در کشور

● **ایسنا:** معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی از کاهش ۴/۷درصدی جرایم جنسی در کشور خبر داد و گفت نرخ جرایم جنسی در ایران از نرخ قتل کمتر است. سرهنگ هادی مصطفایی ضمن بیان این آمار نرخ‌وقوع جرایم جنسی در کشور را ۱/۷ اعلام کرد و گفت: در دو استان کشور نرخ جرایم جنسی ۳/۷ و ۸/۴درصد است که برای واکاوی علل آن و چگونگی کاهش این نرخ دو اتاق فکر تشکیل و به مقامات استانی نیز تذکرات لازم ارایه شده، در ۱۳ استان کشور نیز نرخ جرایم جنسی کمتر از یک‌درصد است. مصطفایی همچنین در مورد تجاوزات گروهی نیز گفت: در این بخش شاهد کاهش ۲/۸درصدی هستیم. وی در ادامه با بیان اینکه نرخ قتل در ایران ۲/۵به‌ازای هر صدهزارنفر است گفت: در چهارسال اخیر شاهد سیر نزولی قتل در کشور هستیم به‌گونه‌ای که در سال ۸۹ نرخ قتل ۳/۱درصد بود اما در سال ۹۲ این نرخ به ۲/۵درصد رسید. سرهنگ مصطفایی همچنین با بیان اینکه ۳۲/۳درصد قتل‌ها با سلاح گرم و ۳۵/۵درصد قتل‌ها با سلاح سرد رخ می‌دهد، گفت: ۱۳/۴درصد قتل‌ها با ضرب‌وجرح، ۱۲/۱درصد خفگی و ۶/۲درصد با سایر وسایل به قتل می‌رسند. مصطفایی با بیان اینکه حدود ۶۲درصد قتل‌ها بدون برنامه‌ریزی قبلی رخ می‌دهد، گفت: قتل‌های رخ‌داده در کشور ما عمدتا بدون برنامه‌ریزی و سازمان‌نیافته و بیشتر این قتل‌ها ناشی از سهل‌انگاری هستند. مصطفایی گفت: در سال ۹۲ سه‌پرونده در استان‌های گلستان، بوشهر و قم تشکیل شد که اگر کشف نمی‌شد امکان تبدیل به قتل‌های سریالی وجود داشت. وی در مورد برخی شایعات درخصوص قتل‌های سریالی در فارس، هرمزگان و کردستان گفت: مطمئن باشید اگر ارتباطی میان قتل‌های به‌وقوع‌پیوسته وجود داشته باشد اولین کسی که این ارتباط را متوجه می‌شود پلیس است

به دعوت شورای شهر روانسر کرمانشاه برگزار شد

تجمع مردم برای بخشش محکوم به قصاص

شرق: تعداد زیادی از اهالی شهر «روانسر» در استان کرمانشاه با تجمع در مزار یک مقتول از خانواده او خواستند تا از خون قاتل فرزندشان بگذرند. در این تجمع که ظهر پنجشنبه هفته گذشته برگزار شد ده‌ها نفر از کسبه، بازاریان، اعضای شورای شهر، فعالان مدنی و شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی شهر روانسر حضور داشتند. آنها ابتدا بر سر مزار «امید مرادی» -مقتول- حاضر شدند. این قتل ۱۲بهمن سال ۸۷ به‌وقوع پیوست و در جریان آن جوانی به‌نام عادل دوست خود امید را از پا درآورد. عادل مغازه کبابی داشت و قتل در همین مکان اتفاق افتاد. روز حادثه امید با عادل تماس گرفت و از او کباب خواست. وقتی امید به کبابی رسید دو دوست شروع به شوخی کردند که در همین حین عادل برای ترساندن دوستش چاقویی را که با آن مشغول خردکردن گوشت بود به سمت امید گرفت که چاقو در قلب پسر جوان فرورفت. امید بعد از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد و پس از آن عادل بازداشت و به درخواست اولیای‌دم به قصاص محکوم شد. شورای شهر روانسر چندی قبل تصمیم گرفت برای جلب رضایت خانواده مقتول با آنها مذاکره کند به همین دلیل از مردم برای تجمع بر سر مزار مقتول دعوت کرد. مردم پس از تجمع مقابل قبرستان پیاده به مقابل منزل پدر امید رفتند تا با آنها صحبت کنند. خانواده مقتول از حضار

عکس: امید احمدیان

درخواست کردند هیاتی ۱۰ نفری به نمایندگی از حاضران این گردهمایی برای گفت‌وگو پیرامون این مساله، به منزل آنها بروند. در این تجمع، دکتر منوچهری، نماینده مردم اورامانات با تکرار درخواست مردم شهر از این خانواده به نمایندگی از مردم شهر روانسر، از خانواده مقتول خواست تا عادل را عفو کنند. منوچهری در این‌باره به خبرنگار ما گفت: «معتمدان و شورای شهر از مردم دعوت کردند سر مزار امید مرادی حاضر شوند و فاتحه بخوانند و بعد هم جلو خانه اولیای‌دم حاضر شوند. من هم به احترام مردم، خانواده مقتول و به‌دلیل دعوت عمومی که صورت گرفته بود در این مراسم شرکت کردم و ابتدا سر خاک حاضر شدیم و بعد به خانه اولیای‌دم رفتیم و با آنها صحبت کردیم.» خانواده مقتول به هیات نمایندگی مردم اعلام کرده‌اند برای تصمیم‌گیری درخصوص بخشش قاتل فرزندشان، به زمان نیاز دارند. برادر عادل در این‌باره به خبرنگار ما گفت: «شب حادثه برادرم مغازه را تعطیل کرده بود که امید به او تلفن زد و کباب خواست. امید به برادرم گفت من دوست و مشتری تو هستم و به‌خاطر من مغازه را باز کن. عادل به مغازه رفت و داشت گوشت خرد می‌کرد که عادل با او شوخی کرد. برادرم دستش را برگرداند تا به او بگوید شوخی نکن که چاقو به امید خورد. چاقو خیلی تیز بود و وارد قلب امید شد وگرنه برادرم ضربه‌ای نزد. برادرم بعد از این حادثه بلافاصله امید را سوار ماشین کرد و او را به بیمارستان رساند. ساعت ۱۲:۳۰ شب وقتی داشتم مغازه خودم را تعطیل می‌کردم عادل آنجا آمد و از پشت یخچال مغازه‌ام چاقو برداشت تا رگ دست خودش را بزند. من نمی‌دانستم ماجرا چیست. خواستم جلویش را بگیرم اما چاقو را نمی‌داد. در این کشمکش به دست خودم هم چاقو خورد و زخمی شدم. به‌سختی عادل را به خانه بردم. او در راه به من گفت امید فوت شده است. او دوباره در خانه خواست خودکشی کند که به او گفتیم این راه درستی نیست اما او جواب داد من تحمل ندارم. بالاخره برادرم خودش به پاسگاه رفت و تسلیم شد و از آن به‌بعد در زندان است.» وی ادامه داد: «در این چندسال برای جلب رضایت اولیای‌دم خیلی تلاش کردیم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه شهریار ویسی، رییس شورای شهر روانسر، هماهنگ کرد و ریش‌سفیدان شهر خودمان و اورامانات و مردم را دعوت کرد و در مزار امید مراسمی برگزار کردند. در آنجا مردم قرآن و دعا خواندند و به سمت پدر مقتول حرکت کردند. جمعیتی حدود پنج‌هزارنفر جمع شده بود. مردم به پدر امید گفتند تا وقتی عادل را نبخشی ما نمی‌رویم. پدر امید هم در را باز و از ریش‌سفیدان دعوت کرد داخل بروند. آنها حدود دوساعت با هم حرف زدند و در نهایت پدر مقتول گفت اجازه بدهید با اعضای خانواده مشورت کنم و طی چند روز آینده نتیجه را اعلام می‌کنم.» بنا بر این گزارش قاتل در حال حاضر در زندان «دیزل‌آباد» شهر کرمانشاه به‌سر می‌برد.

تازه داماد، متهم به قتل نوعروس

شرق: پرونده قتل نوعروس جوان که در درگیری با شوهرش مرگ مغزی شده و خانواده‌اش اعضای بدن او را اهدا کرده بود، در دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده در جایگاه قرار گرفت و گفت: متهم که حامد نام دارد یک سال قبل با واردآوردن ضرباتی بر بدن تازه‌عروسش نرگس او را به قتل رساند. هرچند متهم در مراحل اولیه بازجویی قتل را انکار کرد اما نظریه پزشکی قانونی نشان می‌دهد قاعده جمجمه دچار شکستگی است. این نظریه متهم را وادار به اعتراف کرد و او توضیح داد با واردآوردن سیلی به صورت مقتول سرش به دیوار برخورد کرد و مرگ مغزی شد. در ادامه پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند. آنها درخواست صدور حکم قصاص کردند. مادر مقتول گفت: دخترم مشکل جنسیتی داشت و حامد هم این موضوع را می‌دانست با این حال پذیرفت که با هم ازدواج کنند البته دخترم عمل کرده و مشکلش حل شده بود با این حال واقعیت را به شوهرش گفت. سه هفته از ازدواجشان گذشته بود که یک روز حامد را برای ناهار دعوت کردم او و دخترم در اتاق صحبت می‌کردند و من هم در آشپزخانه بودم صدای مهیبی شنیدم وارد اتاق شدم و دیدم حامد پتو را روی دهان دخترم گذاشته و می‌خواهد او را خفه کند بعد هم حال نرگس بد شد، او را به بیمارستان بردیم و در آنجا دچار مرگ مغزی شد. من و پدرش هم به‌عنوان ولی‌دم تصمیم گرفتیم اعضای بدنش را اهدا کنیم. همه اعضای بدن دخترم به‌جز مغزش اهدا شد حتی چشم‌هایش را اهدا کردیم. سپس حامد در جایگاه حاضر شد او اتهام قتل را رد کرد و گفت: ۹ ماه قبل از اینکه با نرگس ازدواج کنم با او آشنا شدم در این مدت با هم ارتباط داشتیم و همان ابتدا به من گفت مشکل جنسیتی دارد و دو عمل انجام داده و یک عمل دیگر هم باید انجام بدهد. من دوستش داشتم و به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم تصمیم گرفتم با نرگس ازدواج کنم. در عمل سومش خودم کنارش بودم حتی دکتر گفت می‌توانیم بچه‌دار شویم اما باید همسرم به شدت تحت مراقبت باشد. به هرحال به خواستگاریش رفتم و با هم ازدواج کردیم برای اینکه مشکلی پیش نیاید نرگس مشکلش را به مادرم هم گفت. او زن بسیار خوبی بود اما مشکل ما این بود که خیلی حساس بود و فکر می‌کرد من با کسی رابطه دارم. روز حادثه وقتی مرا برای ناهار دعوت کرد ماشینم خراب شد و چند ساعتی دیر رسیدم. خیلی عصبی بود به من گفت دروغ می‌گویی ماشینت خراب است در این ساعات با دختری بودی گفتم اشتباه می‌کنی و حاضرم وسیله خراب ماشین را به تو نشان بدهم آنقدر عصبی بود که قابلمه چدنی غذا را بلند کرد و به سر من کوبید با هم بگومگو کردیم می‌خواستم از خانه بیرون بروم تا این بحث تمام شود فحش‌های بدی به من می‌داد من هم عصبی شدم و گفتم طلاقش می‌دهم. بعد گفت پدرش با من کار دارد به طبقه پایین رفتم تا با پدرش صحبت کنم. در اتاق نیمه باز بود یکدفعه دیدم نرگس به زمین افتاد وارد اتاق شدم و دیدم یک‌طرف بدنش لمس شده او را به بیمارستان رساندیم گفتند فشار خونش بالاست و به مغزش فشار آورده است. فشار خون زنم ۲۶ بود پزشک به من گفت می‌دانستی همسرت مشکل عروقی دارد و فشارش بالا می‌رود گفتم نه تا به حال نمی‌دانستم. زنم به هوش آمد اما دوباره بیهوش شد مدتی بیهوش ماند و بعد گفتند احتمال مرگ مغزی وجود دارد مادر نرگس داد و فریاد کرد که دامادم او را زده است اما دکترش گفت اینطور نیست فشار بالای دخترت باعث مرگ مغزی‌اش شده است. متهم ادامه داد: من نمی‌خواستم اعضای بدن زنم اهدا شود و بدون اجازه من این کار را کردند می‌خواستم زنم را به بیمارستان خصوصی ببرم شاید بشود او را برگرداند به خاطر درگیری که در بیمارستان داشتم بازداشتم کردند و بعد هم گفتند پدر و مادرش رضایت دادند و اعضای بدنش اهدا شده است. همه این حرف‌ها را در دادسرا هم توضیح دادم اما آنها مرا تحت‌فشار گذاشتند تا اعتراف کنم زنم را زده‌ام. سپس وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد، او گفت: مدارک پزشکی مقتول نشان می‌دهد او به خاطر فشار بالای خون دچار پارگی عروق مغزی و خونریزی وسیع مغزی شده است. پزشک معالج او در ابتدا این موضوع را تایید کرده است مقتول به‌هوش آمده و بعد دوباره بیهوش شده است و تا آن زمان شکستگی جمجمه را تشخیص ندادند. ممکن است شکستگی جمجمه حین عمل جراحی برای اهدای عضو انجام گرفته باشد و این موضوع ربطی به موکل من ندارد. می‌شد پزشک معالج مقتول را دعوت و در مورد این موضوع از او تحقیق کرد. کسی ندیده است که موکل من ضربه‌ای به همسرش زده باشد ضمن اینکه این زن سابقه فشارخون بالا نیز داشت. هیات قضات بعد از پایان جلسه رسیدگی برای تصمیم‌گیری درخصوص پرونده وارد شور شدند.

رخداد

زورگیر، مالباخته را به «کما» فرستاد

● **شرق:** مرد زورگیر که باعث شده است زنی میانسال در کما فرورود، به‌همراه همدستش دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، سرقت منجر به ضرب‌وجرح شدید زنی میانسال ۲۸ فروردین از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری صحن حرم امام(ره) اعلام و با حضور ماموران در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد زنی حدودا ۵۰ساله به‌شدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است. یکی از ماموران بهشت‌زهرا توضیح داد دو سرنشین موتوسیکلت در حالی که قصد داشتند طلا و جواهرات این زن را سرقت کنند با دیدن وی متواری شدند. زن میانسال همان زمان به بیمارستان منتقل شد اما به‌علت شدت ضربات تاکنون در کما به‌سر می‌برد. اعضای خانواده زن مجروح همان روز حادثه با مراجعه به پلیس مفقودشدن وی را گزارش دادند و به این ترتیب هویت این زن فاش و مشخص شد او برای زیارت مزار برادر شهید خود به بهشت‌زهرا رفته بود که این حادثه رخ داد. کارآگاهان اداره مبارزه با زورگیری پلیس آگاهی تهران در گام بعدی تلاش خود را برای شناسایی دو موتورسوار سارق آغاز کردند. آنها به بررسی دوربین‌های مداربسته بهشت‌زهرا پرداختند و بعد از به‌دست‌آوردن تصویر دزدان با بهره‌گیری از بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار و دیگراقدامات پلیسی موفق به شناسایی جوانی ۲۵ساله به نام علی شدند که بارها به اتهام ارتکاب جرایم مختلف از جمله زورگیری دستگیر و روانه زندان شده بود. علی بعد از دستگیری ارتکاب سرقت را انکار کرد اما پس از بازرسی دقیق مخفیگاه وی و کشف گوشی تلفن همراه متعلق به مالباخته جرمش را گردن گرفت و همدست ۲۶ساله‌اش به نام محمدرضا را که در زمینه خریدوفروش فعالیت دارد معرفی کرد. علی گفت: «روز حادثه برای مصرف مواد نزد محمدرضا رفتم اما وقتی متوجه شدیم پول کافی برای خرید مواد نداریم، تصمیم گرفتیم زورگیری کنیم. با موتور محمدرضا به بهشت‌زهرا رفتیم و زنی میانسال توجه ما را جلب کرد. در حالی که چماقی در دست داشتم، به آرامی به آن زن نزدیک شدم و قصد سرقت کیف دستی وی را داشتم که او متوجه شد و در برابر سرقت مقاومت کرد. من نیز با چماق ضربه‌ای محکم به سرش زدم که او بیهوش شد.» «علی» ادامه داد: «آن زن چهره مرا دیده بود و اگر زنده می‌ماند، قطعا ماموران مرا شناسایی می‌کردند به همین علت به قصد کشتن، شروع به زدن ضربات متعدد چماق کردم و پس از اطمینان از مرگ او قصد سرقت طلا و جواهرات را داشتم که یکی از ماموران بهشت‌زهرا با دیدن صحنه سرقت، به سمتم آمد و مجبور شدم با سرقت کیف دستی از محل متواری شوم.» کارآگاهان در ادامه متهم دوم را نیز بازداشت کردند و تحقیقات از این دو ادامه دارد.